

رهبری
نکات کلیدی فصل هشتم



رهبری

(۲۶ درس کلیدی در حل نیازهای رهبر هر سازمان)

نویسنده: جان سی. ماکسول

مترجم: دکتر علی رضا یوسفی مقدم

نکات کلیدی فصل هشتم

اولین مسئولیت یک رهبر این است که
بتواند واقعیت‌ها را تشخیص دهد

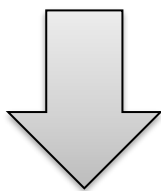
- اولین مسئولیت یک رهبر این است که بتواند واقعیت‌ها را تشخیص دهد
- من اغلب به شاگردانم می‌آموزم که مردم فقط زمانی تغییر می‌کنند که به اندازه‌ی کافی ضربه خورده باشند و مجبور به تغییر شوند. به قدر کافی بیاموزید که آن‌ها خواهان تغییر هستند یا قادرند که در خود تغییر ایجاد کنند.
- یکی از مشکلاتی که رهبران بالقوه را از ادامه‌ی راه باز می‌دارد، تمایل آن‌ها برای تمرکز روی رویاها به بهای رویارویی با واقعیت‌هاست. اما رهبران خوب، هم رویاپردار هستند و هم واقع‌گرا.
- یک تیم وقتی بداند در چه موقعیتی است در این صورت می‌تواند انطباق‌های لازم را ایجاد کند.
- واقعیت زیربنای تغییرات مثبت است. اگر با واقعیت‌ها روبه‌رو نشوید، قادر نخواهید بود تغییرات ضروری را ایجاد کنید.
- رهبران واقع بین آن قدر برون‌گرا و عینی هستند که بتوانند توهّمات را به حداقل برسانند. آن‌ها می‌دانند که خودفریبی و توهّم، خیال‌بافی به دنبال دارد.
- اگر شما مثل من فردی خوش بین هستید و باز مثل من به طور طبیعی به تشویق دیگران علاقه‌مند هستید، پس لازم است بیشتر دقت کنید تا واقعیت‌ها را در چشم افراد ببینید و به طور مداوم چشم واقع بین خود را روی این موارد متمرکز کنید: موقعیت‌ها اغلب بدتر از آن چیزی هستند که فکر می‌کنید، گاهی فرایندها بیشتر از چیزی که شما فکر می‌کنید طول می‌کشند و گاهی باید بیشتر از چیزی که فکر می‌کنید هزینه کنید.
- آیا اگر شما امروز با کمبود حس واقع‌بینی روبه‌رو هستید، پس حتماً فردا با کمبود اعتبار در ارتباط با دیگران روبه‌رو خواهید شد.

- رویارویی با واقعیت‌های موجود، اغلب ناخوشایند است، اما ضروری است.
- زمان‌های آشفته اوقات خطرناکی هستند، اما بزرگ‌ترین خطر در این زمان‌ها، وسوسه شدن برای نادیده گرفتن واقعیت‌هاست.
- به عنوان یک رهبر، آن‌چه انجام می‌دهیم و آن‌چه انجام نمی‌دهیم همیشه عواقبی به همراه دارد.
- ما می‌توانیم سعی کنیم چشم‌انداز یا سبک زندگی غیر واقعی را حفظ کنیم، اما روزی بهای آن‌را خواهیم پرداخت، هیچ راه گریزی نیست.
- من به عنوان یک رهبر، شخصی بودم که فریب خوردم و بدتر از همه این است که من خودم، خودم را فریب دادم! احمقانه‌ترین کار این است که یک فرد خودش را فریب دهد!
- داشتن توانایی تشخیص واقعیت‌ها به عنوان یک رهبر، یعنی پذیرفتن افکار واقع بینانه؛ بنابراین، می‌توانیم نتایج عملکردمان را بیشتر و با وضوح بهتری از آن‌چه اطرافمان است، ببینیم.
- وقتی شما رهبر هستید، افراد دیگر به شما وابسته‌اند. ناتوانی من در شناخت درست واقعیت‌ها در سازمانم سرانجام به من و به اطرافیانم صدمه زد؛ به این ترتیب که افرادم شغل‌شان را از دست دادند، تیم از هم پاشید، رویاها به واقعیت نپیوست و ناراحت‌کننده‌تر از همه این بود که بعضی از دوستی‌ها پایان یافت.
- پذیرش ضعف‌هایم. درست مثل یک فرد معتاد به الکل که باید برای حل مشکلش به موسسه کمک به الکلی‌ها مراجعه کند و بگوید: من یک الکلی هستم. من هم باید اعتراف کنم که من یک فرد غیرواقع‌بین هستم.
- شما نمی‌توانید بدون رویارویی با واقعیت‌ها، واقعیت را تشخیص بدهید.

- افراد واقع بین را بپذیرید. یک ضرب المثل قدیمی می‌گوید: کبوتر با کبوتر باز با باز. این ضرب المثل واقعاً درست است. من دوست دارم با افرادی در ارتباط باشم که مثل خودم هستند. این دیدگاه در صورتی خوب است که بخوایم تفریح کنم، اما وقتی می‌خواهم رهبر خوبی باشم این بدترین طرز تفکر است.
- من به افرادی نیاز دارم که مرا کامل کنند و وقتی در مسئله‌ای ضعیف هستم، آن‌ها در آن قوی باشند. یک تیم رهبری تأثیر گذار اعضایی دارد که یکدیگر را کامل می‌کنند.
- خواستار صداقت از سوی دیگران باشید. همه ی رهبران به گروهی نیاز دارند که بگویند که واقعا به چه چیزی فکر می‌کنند. آن‌ها به گروهی مرد و زن بله قربان گو نیاز ندارند.
- گاهی با این‌که به شنیدن حقیقت نیاز داریم، اما نمی‌خواهیم آن را بشویم. واقعیت این است که بسیاری از مردم نمی‌خواهند با واقعیت روبه رو شوند؛ به همین دلیل است که درخواست از دیگران برای کمک به ما ابدهی خوبی است.
- از افراد جدید دعوت کنید تا کار شما را بررسی کنند. وقتی ما در یک محیط آشنا قرار داریم، نمی‌توانیم برخی از چیزها را ببینیم.
- هرچه بیشتر در کارم به عنوان یک رهبر پیش می‌روم، بیشتر می‌فهمم که به افرادی نیاز دارم که عضو سازمانم نباشند تا بتواند عملکرد من و سازمانم را بهتر بررسی کنند. اغلب از مشاورانی دعوت می‌کنم به سازمانم بیایند، همه چیز را مشاهده کنند و به من بگویند که چه می‌بیند.
- من به آن‌چه می‌گویند ارزش قائلم.
- رهبران خوبی که شرکت‌های بزرگ را رهبری می‌کنند، با واقعیت‌ها روبه رو می‌شوند و طبق آن تغییر ایجاد می‌کنند. شما نمی‌توانید بدون رویارویی با حقایق تلخ تصمیم‌های صد در صد خوب بگیرید.

- تشخیص واقعیت‌ها، نقطه‌ی آغاز یک رهبری خوب است؛ درست مثل این است که قبل از این‌که به جایی بروید نقطه‌ای که اکنون هستید را روی نقشه پیدا کنید.
- هرگز فراموش نکنید، شیوه‌ای که شما واقعیت‌ها را طبق آن تشخیص می‌دهید، نشان می‌دهد که رهبری کجا را به چه شکل برعهده دارید و محل رهبری و چگونگی رهبری، مشخص می‌کند که پیروان‌تان به کجا خواهند رسید. به عبارت دیگر، مسائل زیادی به تشخیص شما از واقعیت‌ها بستگی دارد.

"انتخاب نکات کلیدی فصل هشتم"



دکتر علی اصغر صفری فرد (Ph.D)

نویسنده، مشاور و مدرّسِ توسعه مهارت‌های مدیریتی

۰۹۱۲۲۱۳۷۱۴۴